نگاه

محسنی اژه‌ای، معاون اول قوه قضائیه:

قضات تحت‌تأثیر بلندگوهای شرقی و غربی قرار نگیرند

قوانین ما باید بر پایه موازین شرع، اسلام و مبتنی بر قرآن و وحی باشد و خواهش من این است که تحت تاثیر جوسازی‌ها و بلندگوهای شرقی و غربی قرار نگیریم.

حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین اژه‌ای در مراسم تودیع و معارفه معاون حقوقی قوه قضائیه اظهار داشت: یک قاضی زمانی می‌تواند به حق و قسط قضاوت کند که ملتزم به قانون باشد و حتی اگر نیت خوبی هم داشته باشد، چنانچه به قوانین موضوعه عنایت نداشته باشد، خروجی کار وی ممکن است موجب عذاب شود. وی ادامه داد: زمانی می‌توانیم بگوییم که به حق عمل کرده‌ایم که مطابق قانون رفتار کنیم، چراکه هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به رشد و تعالی برسد، مگر اینکه ملتزم به قانون باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای با بیان اینکه قوانین باید منافع فرد و جامعه را توامان تنظیم کند، تصریح کرد: معاونت حقوقی قوه قضائیه از این جهت اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد که باید در تدوین قوانینی که مطابق با حق و فرهنگ و نظام اسلامی باشد، منافع فرد و جامعه را توامان تنظیم کند.

معاون اول دستگاه قضا تأکید کرد: معاونت حقوقی در قوه قضائیه تکلیف شاق و مهمی برعهده دارد که هم باید قوانین مطابق اسلام و کارایی را تدوین کند و هم این معاونت حلقه اتصالی بین دو قوه مجریه و مقننه است. سخنگوی دستگاه قضا با بیان اینکه باید در تدوین قانون شفافیت و صراحت مورد توجه قرار گیرد، تصریح کرد: قانونی که تدوین می‌شود باید قابلیت اجرایی داشته باشد و از طرفی شفاف و صریح باشد، چراکه ما شاهدیم قانون آئین دادرسی جدید ابلاغ شده، اما اگر بخواهیم براساس این قانون عمل کنیم پیگیری جرائم خشن و سازمان یافته با مشکل مواجه می‌شود، بنابراین قانون باید قابلیت اجرایی داشته باشد.

وی ادامه داد: این جلسه برای تقدیر و ارج نهادن به زحمات دو مدیر خدوم، دلسوز و موفقی که از مسئولیت و سمتی به مسئولیتی دیگر منتقل می‌شوند، برگزار شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای تصریح کرد: مسئولیت معاونت حقوقی قوه قضائیه را جناب آقای حجت‌الاسلام رازینی سالیان سال عهده‌دار بوده و امروز به دیوان عالی کشور منتقل می‌شود تا نظام از همه تجربیات این بزرگوار بهره‌مند شود. معاون اول قوه قضائیه با بیان اینکه جناب خدائیان از امروز مسئولیت سمت معاونت حقوقی را عهده‌دار می‌شود، افزود: سال‌های زیادی است که در خدمت جناب آقای رازینی هستیم، ایشان شخصیتی فاضل، مخلص، بااستعداد، بدون ادعا و تکلف، بی‌اعتنا به مظاهر دنیوی و با یک سابقه طولانی مجاهدت در طول این سی و چند سال انقلاب است.

معاون اول قوه قضائیه تصریح کرد: حجت‌الاسلام رازینی در کارنامه خود در جهت تقویت مبانی انقلاب و مبارزه با ضد انقلاب صفحات بسیار درخشانی دارند. رازینی چه در دادسرای ویژه روحانیت و چه در دادگاه‌های انقلاب و دادگستری پرونده روشنی برای مبارزه با انحرافات دارند. جناب آقای رازینی کمتر از ۳۰ سال داشت که مسئولیت سازمان قضایی نیروهای مسلح را عهده‌دار شد و تحولی جدی در آنجا ایجاد کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در ادامه با بیان اینکه معاون حقوقی قوه قضائیه باید یک حضور فعال در دولت و مجلس داشته باشد، اظهار داشت: یکسری از قوانین به صورت طرح در مجلس و یکسری دیگر از قوانین به صورت لایحه مطرح می‌شود، لوایح قضایی از طرف قوه قضائیه به دولت و لوایح غیرقضایی از ناحیه خود دولت تقدیم مجلس می‌شود، بدیهی است که عنایت لازم را خواهیم داشت.

دفاعی

روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه:

حمله تروریست‌های مسلح به پاسگاه مرزی سراوان ناکام ماند

روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه از درهم شکستن حمله اشرار و تروریست‌های مسلح به یک پاسگاه مرزی در منطقه سراوان خبر داد.

به گزارش سپاه نیوز، در ساعات اولیه بامداد دیروز گروهی از اشرار و تروریست‌های مسلح با حمله به یک پاسگاه مرزی در منطقه سراوان قصد تصرف آن را داشتند که با هوشیاری و مقاومت دلیرانه رزمندگان قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه و نیروهای بومی به ویژه بسیجیان دلاور بلوچ منطقه مواجه و عملیات مذبوحانه آنها درهم شکسته شد. بنا به این گزارش، مزدوران استکبار جهانی که از خاک کشور پاکستان برای سازماندهی و حمله به این پاسگاه استفاده کرده بودند، با تحمل تلفات سنگین متواری شدند.

گزارش یک

جعفر تکبیری

«جوان» از ژست تبلیغاتی و دروغین غربی‌ها علیه تروریسم گزارش می‌دهد

ائتلاف اربابان داعش علیه داعش

گروه تروریستی داعش در حالی به خطری جدی برای دنیای غرب تبدیل شده که غربی‌های حامی این گروهک حالا به فکر مقابله و مبارزه با این گروهک افتاده‌اند.

این گروهک تروریستی در حالی با اعمال رقت‌انگیز خود دنیا را در بهت و حیرت فرو برده‌اند که هر روز اخبار تازه‌ای از پیوستن شهروندان کشورهای اروپایی به این گروهک تروریستی منتشر می‌شود و در دیگر سو دولت‌های غربی نگران از آنکه این شهروندان که حالا به یک عامل تروریستی تمام عیار تبدیل شده‌اند، با بازگشت به کشورشان معضلات بی‌شماری را برایشان ایجاد کنند. وحشت از این کابوس تلخ تا حدی بود که غربی‌ها به ناچار تصمیم به تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی برای مقابله با این گروه تروریستی خودساخته گرفته‌اند. ائتلافی که به گفته جنیفر ساکی سخنگوی وزارت خارجه امریکا ۴۰ کشور عضو آن هستند و به ادعای روزنامه ایندیپندنت انگلیس، قرار است طی یک ماه آینده حملاتی را علیه مواضع داعش در خاک عراق و سوریه انجام دهند.

■ ایران و ائتلاف بین‌المللی ضد داعش

اما شکل‌گیری این ائتلاف در حالی است که طرف‌های غربی هرگز نمی‌توانند مبارزه با این گروهک تروریستی را بدون حضور جمهوری اسلامی ایران تصور کنند. کشوری که یکی از تاثیرگذارترین قدرت‌های منطقه است و از همان روزهای نخستین شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش، ضمن مبارزه و مقابله با آن خطر گسترش افراط گرایی آن را به داخل خاک اروپا و امریکا گوشزد کرد. همین علاقه به حضور ایران در این ائتلاف بود که باعث شد وزیر امور خارجه دانمارک به عنوان یکی از اعضای اتحادیه اروپا سراسیمه به ایران بیاید و پیغام دولت‌های اروپایی برای پیوستن جمهوری اسلامی ایران به این ائتلاف را تقدیم مقامات کشورمان کند. اگرچه مقامات کشورمان پس از دریافت این پیغام عنوان کردند که به دلیل ماهیت نمایشی این ائتلاف و فقدان صداقت و رفتار دوگانه برخی اعضا حاضر به پیوستن به آن نیستند. ماجرایی که باعث شد جنیفر ساکی سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا در اقدامی پیش‌دستانه و برای فرار از شکست عدم همراهی ایران، عنوان کند که جمهوری اسلامی در این ائتلاف نقشی نخواهد داشت.

■ استدلال ایران برای نپیوستن به ائتلاف

اما در این بین شاید سؤال اصلی این باشد که دلایل جمهوری اسلامی برای نپیوستن به این ائتلاف چیست؟

پاسخ به این سؤال را می‌توان در چند بخش خلاصه کرد:

نخستین دلیل در این ارتباط را می‌توان در خاستگاه اصلی گروهک تروریستی داعش جست‌وجو کرد. این گروهک تروریستی در حالی در سوریه شکل گرفت که حامی اصلی آن در تمامی زمینه‌ها دولت امریکا و کشورهای متحد این دولت بودند و حال خود دولت امریکا خواستار شکل دهی یک ائتلاف علیه این گروهک شده است.

دومین دلیل در این حوزه را می‌توان به تجربه تلخ ایران برای همکاری با ایالات متحده در موضوع افغانستان عنوان کرد. جایی که نیروهای امریکا از کمک‌های اطلاعاتی و لجستیکی ایران برای مقابله با گروه تروریستی طالبان بهره بردند و در نهایت نه تنها پیروزی را به نام خود ثبت کردند، بلکه ایران را به عنوان محور شرارت در ردیف گروه‌های تروریستی نظیر القاعده قرار داد.

دلیل سوم برای عدم همراهی جمهوری اسلامی ایران با این ائتلاف را نیز می‌توان در نبود عزم جدی این حرکت برای مقابله با تروریسم در تمامی ابعاد عنوان کرد. بر اساس اسناد موجود این ائتلاف تنها تمرکز خود را روی گروهک داعش قرار داده و بنا نیست تلاشی را برای مقابله با دیگر تحرکات تروریستی نظیر قتل عام کودکان در فلسطین، تحرکات تروریستی ارتش آزاد در سوریه، اعمال تروریستی بوکوحرام در نیجریه و حرکات تروریستی در شرق ایران انجام دهد و فقط برای آنها امنیت خودشان مهم است.

> بر اساس اسناد موجود این ائتلاف تنها تمرکز خود را روی گروهک داعش قرار داده و بنا نیست تلاشی را برای مقابله با دیگر تحرکات تروریستی نظیر قتل عام کودکان در فلسطین، تحرکات تروریستی ارتش آزاد در سوریه، اعمال تروریستی بوکوحرام در نیجریه و حرکات تروریستی در شرق ایران انجام دهد و فقط برای آنها امنیت خودشان مهم است

تروریسم در جهان است، چراکه قطعا مبارزه بلند مدت با موضوع تروریسم در جهان باعث لطمه خوردن به منافع کشورهای غربی حامی تروریسم خواهد شد.

در نهایت آخرین دلیل در این ارتباط، علم ایران به تلاش کشورهای غربی به ویژه امریکا برای حضور نظامی در منطقه است و قطعا ادعای مقابله با تروریسم می‌تواند بهانه بسیار خوبی باشد که دوباره پای نظامیان امریکایی و غربی که خود عاملی برای به وجود آمدن تروریسم هستند، در منطقه باز شود و امنیت دیگر کشورهای حاضر در غرب آسیا را نیز به خطر بیندازد. از این رو این یک امر طبیعی است که جمهوری اسلامی با مخالفت برای پیوستن به این ائتلاف عملا مانعی برای حضور مجدد نظامی امریکایی‌ها در خاک عراق و سوریه شوند. حضوری که بی‌شک می‌تواند رقابت تسلیحاتی را در منطقه حساس خاورمیانه تشدید کند و سرمایه ملت مسلمان را به جیب کارخانه‌های اسلحه‌سازی غربی بریزد.

■ ایران و مقابله جدی با داعش

اما کشورهای غربی در حالی به یکباره خطر حضور داعش در سرزمین‌های خود را احساس کرده‌اند که جمهوری اسلامی ایران مدت‌ها با درک خطر افراط گرایی این گروه به مقابله با آن پرداخته است، به گونه‌ای که بسیاری جمهوری اسلامی ایران را در کنار عراق و سوریه خط مقدم مقابله با این تروریست‌ها می‌دانند. جمهوری اسلامی به عنوان یک کشور دوست سوریه از نخستین روزهای شکل گیری بحران در سوریه، به کمک این کشور شتافت و پس از آن با یورش تروریست‌های داعش به خاک عراق در کنار مردم این کشور قرار گرفت. قطعاً ایجاد بسیج عمومی علیه این گروهک و ارائه برخی تسلیحات لجستیکی و مالی به ارتش عراق و سوریه و گروه‌های مبارز این کشورها که توسط جمهوری اسلامی صورت گرفت، نقش بسیار بزرگی در سرکوب و عقب راندن گروهک داعش و مقابله با تروریسم داشت. حال شاید درک همین نقش از سوی ایالات متحده باعث شد که پیشنهادهایی از سوی این دولت برای همکاری مشترک با ایران در خصوص مقابله با داعش ارائه شود تا شاید آنان نیز در افتخار مقابله با این گروهک تروریستی با ایران شریک شوند.

■ یک ادعا

اما کشورهای غربی در حالی ژست مقابله با تروریسم را بدون ایران گرفته‌اند که قطعاً این ائتلاف بدون حضور ایران یک ائتلاف شکست‌خورده خواهد بود. بی‌شک ایران به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای قربانی تروریسم که تجربیات بی‌مثالی در مبارزه با این پدیده شوم دارد، می‌تواند برگی برنده برای پیروزی بر تروریسم در منطقه و جهان باشد. حال باید منتظر ماند و دید که ادعای کشورهای غربی در خصوص مقابله با تروریسم تا چه حد عملی خواهد شد؟ پاسخ به این سؤال را می‌توان در روزهای آینده یافت.

گزیده خبر

حجم مبادلات اقتصادی ایران و قزاقستان ۵ برابر می‌شود

رؤسای جمهوری ایران و قزاقستان اعلام کردند که مصمم هستند حجم مبادلات اقتصادی دو کشور را به پنج برابر میزان کنونی افزایش دهند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر ریاست جمهوری، دکتر حسن روحانی و نورسلطان نظربایف دیروز با حضور در جمع خبرنگاران گفتند: افزایش پنج برابری حجم مبادلات دو کشور با تصمیمات امروز و تصمیمات تکمیلی وزرا اجرا و عملی خواهد شد. رئیس جمهوری ایران با اشاره به اینکه طی یک‌سال گذشته این چهارمین دیدار رؤسای جمهوری دو کشور است، گفت: در این دیدار، درباره راه‌های توسعه همکاری‌های اقتصادی، کشاورزی، معادن و صنایع و سرمایه‌گذاری بازرگانان ایران در قزاقستان و متقابلاً سرمایه‌گذاری بازرگانان قزاقستانی در ایران، روابط پولی و بانکی و آینده اتحادیه گمرکی با ایران بحث شد. دکتر روحانی افزود: ما خواهان گسترش همکاری‌های دو کشور در عرصه دانشگاهی و توریسم و گردشگری هستیم. همچنین با توجه به اینکه ایران و قزاقستان دارای منابع نفتی هستند، همکاری‌های علمی و فنی و سرمایه‌گذاری در این زمینه مورد بحث قرار گرفت. رئیس جمهوری به مسائل جهانی و منطقه‌ای اشاره کرد و گفت: منطقه ما دارای معضلات فراوانی از افغانستان تا فلسطین است که حل و فصل این معضلات و رسیدن به ثبات پایدار، همکاری نزدیک ایران و قزاقستان در این عرصه‌ها را ضروری می‌سازد.

روحانی با اشاره به مذاکرات ایران با ۱+۵ تصریح کرد که در این دیدار درباره مذاکرات و انتظارات ایران از این مذاکرات گفت‌وگو کردیم. قزاقستان به عنوان کشور دوست و برادر، پیوسته از ایران حمایت کرده است. رئیس جمهوری به مباحث محیط زیست و امنیت دریای خزر اشاره کرد و افزود: ما مذاکرات مفصلی در این زمینه داشتیم و قرار است وزرای خارجه دو کشور تا قبل از برگزاری اجلاس آستاراخان روسیه، درباره این مباحث گفت‌وگو و تبادل‌نظر کنند. رئیس جمهوری قزاقستان نیز با اشاره به مذاکراتش با دکتر روحانی گفت که ما تقریباً در همه زمینه‌ها با رئیس جمهوری ایران گفت‌وگو داشتیم. نفت و گاز، کشاورزی، حمل و نقل و معادن، بانکی و مالی تا مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی در این گفت‌وگوها مورد بحث قرار گرفت. نورسلطان نظربایف اظهار داشت: هر دو کشور مصمم هستند حجم مبادلات تجاری دوجانبه را پنج برابر سازند و در کنار آن آغاز به کار خط آهن قزاقستان – ترکمنستان که آسیای میانه را به خلیج فارس متصل می‌کند، می‌تواند منطقه را متحول سازد. وی به نزدیکی مواضع سیاسی دو کشور در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخت و گفت: قزاقستان در این دوره برای کرسی نماینده غیردائم شورای امنیت نامزد شده است و خواهان حمایت ایران از این نامزدی هستیم. رئیس جمهوری قزاقستان افزود: ما در مجموع خواهان گسترش همه‌جانبه روابط با ایران هستیم. نظربایف همچنین در پاسخ به پرسشی درباره نقش قزاقستان در مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ گفت: امیدواریم مذاکرات پیش رو هر چه زودتر به نتیجه برسد تا به این ترتیب ایران به ویژه در زمینه نفت و گاز به جایگاه واقعی خود دست یابد و قزاقستان از هیچ حرکتی برای پیشبرد و نتیجه‌بخش بودن این مذاکرات دریغ نخواهد کرد.

برداشت

خوئینی‌ها: به علی لاریجانی نیاز داریم

محمدموسوی خوئینی‌ها، دبیرکل مجمع روحانیون مبارز چندی پیش در جلسه‌ای گفته است: آقای علی لاریجانی سقفش همین ریاست مجلس است و در ریاست جمهوری رأی ندارد و ما هم نمی‌توانیم مجلس را بگیریم و به او نیاز داریم، باید به او اطمینان بدهیم که اگر با ما همراهی کند، او رئیس مجلس ما هم است.

وعده اتمام تغییرات یک روز هم دوام نیاورد

در حالی که مدیرکل دفتر وزارتی وزارت علوم از اتمام تغییرات در سطح روسای دانشگاه‌ها خبر داده بود، سریال تغییرات روسای دانشگاه‌ها به سرپرستی نجفی همچنان ادامه دارد.

به گزارش تسنیم، از روز رأی عدم اعتماد نمایندگان مجلس به رضا فرجی‌دانا و حضور محمدعلی نجفی در مسند وزارت علوم، تحقیقات و فناوری حدود ۲۰ روز می‌گذرد. نجفی طی ۲۰ روز گذشته تغییرات در سطح دانشگاه‌ها را پس از فرجی‌دانا ادامه داده است. وی در این مدت تا امروز شش انتصاب در جایگاه ریاست دانشگاه‌های کشور را رقم زده است. اولین تغییر وی در روز ۹ شهریورماه و با معرفی محمد میرزایی بادیزی به سمت سرپرستی دانشگاه تحصیلات تکمیلی و فناوری پیشرفته کرمان و دومین انتصاب وی علی تیزرو به ریاست مرکز آموزش عالی لامرد بود. محمدعلی دهقان به عنوان سرپرست دانشگاه ولیعصر(عج) رفسنجان سومین انتصاب نجفی در بخش ریاست دانشگاه‌ها بود. پس از این انتصاب‌ها، نجفی در حالی که اعلام شده بود گزینه ریاست دانشگاه شریف برای تأیید انتخاب به شورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی شده، برای محمود فتوحی فیروز به عنوان سرپرست دانشگاه صنعتی شریف حکم زد و با این انتصاب که بخشی از مراحل آن در دوران فرجی‌دانا انجام شده بود، چهارمین انتصاب خود در مدت ۲۰ روزه سرپرستی‌اش در این وزارتخانه را رقم زد.

چرایی دگردیسی یاران انقلاب اسلامی

ادامه از صفحه یک

۲- دگردیسی معرفتی

دگردیسی معرفتی مهم‌ترین بخش دگردیسی در نخبگان سابق انقلاب اسلامی است. این جماعت که اندک هم هستند، تظاهرات دگردیسی خود را با ماهنامه کیان شروع کردند و در دوران اصلاحات به بلوغ رسیدند، برخی در مقابل نظام ایستادند و رحل اقامت در غرب را برگزیدند. اینها در همسویی دینی و سیاست که غایت اندیشه سیاسی امام بود، تردید کردند و معرفت ذاتی خود را به جوهره دین و باور جامعیت اسلام در همه ابعاد زندگی از دست دادند و به معرفت‌های سیال، تولیدی، شالوده شکن، گفتمانی، ابطال پذیر ... روی آوردند. بنابراین با حقیقت دست‌نیافتنی مفروض داشتند یا به کلی منکر آن شدند و با این عینک نظام جمهوری اسلامی را فاقد جنبه‌های قدسی و آسمانی دانستند و حاکمان را به سوءاستفاده از دین برای قدرت‌خواهی متهم کردند. «جمهوری اسلامی» را امری متناقض معرفی کردند و جمهوریت را مقابل اسلام و بالعکس دانستند و به دنبال تغییر ساختار نظام، برای کمرنگ کردن اسلامیت آن برآمدند. محسن کدیور معتقد است: «اما اصلاحات خودمان را که تغییرات در نظام و رهبری است از طریق نمایندگان مجلس انجام خواهیم داد.» محسن آرمین نیز در نشست دفتر تحکیم در خرم‌آباد (۱۳۷۹) می‌گوید: «اصلاح طلبی یعنی تغییر و تحول در ساختار نظام از طریق راهکارهای قانونی که ابزار آن حفظ آرامش و حرکت تدریجی – آهسته آهسته است.»

همچنین عباس عبدی در راستای مشروعیت زدایی دینی از حکومت می‌گوید: «مشروعیت نظام اسلامی ناشی از حضور اصلاح طلبان است و با خروج آنان از حاکمیت مشروعیت نظام از میان رفته و نظام عملاً دچار فراموشی درونی می‌شود.» (۱۳۸۰/۳/۲۹ مطبوعاتی)

سروش به عنوان سردمدار دگردیسی معرفتی در کشور تلاش می‌نماید با باز کردن جبهه‌ای در مقابل امام، ولایت فقیه و دین را از عرصه اجتماعی مرخص نماید. وی معتقد است: «همچنان که در اسلام هیچ عمل و قانونی نداریم که باید برای اجرای آن حضور روحانی شرط باشد. در نظریه ولایت فقیه، از آن جهت که فرد فقیه است، حق حکومت ولی در اندیشه سکولاریسم و دین باطل است و فرد فقیه هیچ گونه امتیازی برای حکومت، مبتنی بر هیچ دیانت خاصی نیست و نسبت به دین بی‌طرف است.» هفته‌نامه پیام هاجر که مربوط به دختر شخصیتی است که برای حکومت اسلامی سال‌ها زندان و تبعید و آوارگی کشیده است (آیت‌الله طالقانی) می‌گوید: «حکومت دینی، تفکری غلط و به همین اساس دین و سیاست از یکدیگر جدا می‌باشد.» (پیام هاجر ۲۸ مهر ۱۳۷۸ ص ۱۴)

سعید حجاریان براساس نظریه هابز نظام جمهوری اسلامی را تحلیل و در قالب پروتستانتیسم مارتین لوتر می‌گوید: «مسلمان سکولار، اعتقاد دارد، ادغام این دو نهاد دین و دولت، همان ابزار شدن دین و در دست قدرتمداران است در نتیجه دین از بین می‌رود و باید برای حفظ دین آن را از دولت جدا کرد.» (روزنامه شرق ۱۳۸۲/۱۲/۲۷)

بنابراین باور این دسته ناکارآمدی دین در عرصه سیاسی و اجتماعی است و در تلاشند با استانداردهای غربی این نگاه را به اثبات برسانند. این جماعت را نباید به دنیاطلبی متهم کرد بلکه آنان در مشکلات معرفتی گرفتار شده‌اند.

۳- دنیاگرایی

کسانی که در حوزه مسائل دنیوی دچار بردگی شدند به دو دسته قابل تقسیم‌بندی هستند؛ ۱- کسانی که کامیابی دنیوی که ناشی از رانت یا تحولات و نوسانات اقتصادی است آنان را به استمرار روح اسلام انقلابی دچار تردید کرد و رفاه و لذت جویی مانع از همراهی‌شان شد. امام در این باره معتقد است «کسانی که بر این باورند که رفاه و مبارزه با هم تعارض ندارند آب در هاون می‌کوبند. رفاه و مبارزه هیچ موقع جمع نمی‌شوند.»

بنابراین چرب و شیرین زندگی، مسیر مبارزه را توصیه نمی‌کند، این مسئله در فاصله رحلت پیامبر تا سال ۶۰ هجری به وفور بین نیروهای محوری حکومت اسلامی رخ داد که نمونه‌های آن در نامه‌ها و خطبه‌های امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه قابل رؤیت است ۲- دسته دوم کسانی بودند که در قبال زحمات برای انقلاب پاداش دنیوی دریافت نکردند و مشاهده دسته اول باعث سست شدن آنان می‌شود گویی در جنگی وارد شدند که در تقسیم غنایم چیزی عایدشان نشد لذا کم کم به حاشیه رفتند اما نق‌زنی خود را در حوزه سیاسی و اعتقادی متمرکز کردند تا دنیاخواهی آنان که در فرهنگ دینی مذموم است، برجسته نشود.

۴- قدرت طلبی

برخی از نیروهای انقلاب اسلامی که اکنون دچار سستی و دگردیسی شدند، علاقه‌مند به حضور در بهترین اجزا و ارکان قدرت بوده‌اند. این جماعت پیشینه مبارزاتی خود را سندی بر صدرنشینی بعد از انقلاب می‌دانند؛ لذا اگر فردی جایگاهی را اشغال کند و از نظر آنان سابقه جدی در انقلاب اسلامی نداشته است، هرگز برنمی‌تابند و اگر مسئولیتی در شأن و جایگاهی که برای خود قائل هستند دریافت نکنند، زمین و زمان را به هم می‌دوزند که ایها الناس چه نشسته‌اید که یاران امام و انقلاب را حذف کردند. در عرصه دموکراتیک و انتخابات نیز این گونه‌اند. بر این باورند که فقط انتخاباتی انتخابات است که خروجی آن ما باشیم، در غیر این صورت یا مردم پوپولیستی رأی داده‌اند یا تقلب صورت گرفته است. این دسته قدرت خواهی خود را فریاد نمی‌زنند اما با فکر و با قهر و نافرمانی مدنی چهره‌های عبوس خود را نشان می‌دهند. به رغم اینکه بعضاً در تصویب قوانین نظام جمهوری اسلامی در مجلس یا دولت نقش داشته‌اند اما اگر همین قوانین بر آنان اعمال شود به سوی قهر و اعتراض و تحریک اجتماعی پیش می‌روند، گویی قوانین سلبی و بازدارنده نظام برای دیگران نوشته شده است و نزدیکان انقلاب باید کارت نبرد داشته باشند. میل به قدرت و قدرت طلبی که معمولاً در آدمی نهادینه شده است از مهم‌ترین علل بریدن‌ها و واگرایی است که البته علت آن به دلایلی دیگر ارجاع و واقعیت به دلیل قبح دینی و اجتماعی پنهان نگه داشته می‌شود.

قدرت‌طلبان نیز اگر در مسئولیت قرار نگیرند تا مرز اتهام انحراف به نظام و انقلاب و اینکه همه چیز از دست رفت و در انقلاب چی می‌خواستیم و چی شد پیش می‌روند.

۵- وادادگی در مقابل غیریت (غرب)

نیروهای سیاسی – مذهبی در ایران امروز، وقتی در مقابل تمدن و غرب قرار می‌گیرند به سه دسته تقسیم می‌شود.

۱- مقاومت مطلق در مقابل غرب ۲- نگاه گزینشی به غرب ۳- وادادگی مطلق در مقابل غرب بخشی از نیروهای انقلاب که در دسته سوم جای می‌گیرند هدف انقلاب اسلامی را صرفاً امری در راستای توسعه اجتماعی – اقتصادی می‌دانند.

لذا خاستگاه تکنولوژیکی و زیرساخت‌های توسعه را در غرب می‌بینند. بنابراین با نگاه واقع‌گرایانه (در مقابل نگاه آرمانگرایانه) معتقدند مبارزه با غرب امری بی‌حاصل و به ضرر کشور است و تلاش می‌نمایند کوچک‌ترین نگاه مثبت غرب به ایران را در رسانه‌های خود برجسته و بزرگ‌ترین هجمه‌های غرب به انقلاب اسلامی را نادیده بگیرند. این دسته مقصر همه مشکلات بین ایران و غرب را ایران و انقلاب اسلامی می‌دانند و نوعی خستگی را فریاد می‌زنند. «هضم شدن در پروسه جهانی شدن»، «بسته با کدخدای دهکده جهانی»، «قدرت امریکایی یک واقعیت است» و... بخشی از ادبیات گفتمانی آنان است. این دسته معتقدند: «باید هنجارپذیر باشیم، آزادی، دموکراسی، حقوق شهروندی، برابری زن و مرد به طور مطلق در همه امور، دست برداشتن از مبارزان فلسطین و کنار آمدن در قضیه فلسطین، حزب‌الله و خاورمیانه از لوازم یک چنین هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی است (مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، سازمان مدیریت ۱۳۸۲ ص ۹۸). این جماعت در تعریف انسان و رابطه فرد و حاکمیت به محورهای ذیل باور دارند: ۱- اومانیسم (انسان محوری به جای خدامحوری) ۲- (عقل‌مداری و تعقل به جای تعبد) ۳- ساینتیسیم (علم‌محوری به جای وحی محوری) ۴- لیبرالیسم (اصالت آزادی فردی) ۵- مدرنیسم (سنت‌گریزی) ۶- مطلق‌زدایی از اخلاق و اعتقاد ۷- قرارداد اجتماعی (دموکراسی به عنوان مدل حکومتی).

به تعبیر دیگر باور به سکولاریسم لازمه وادادگی در مقابل غرب است که ایران در ۲۰۰ سال گذشته درگیر آن بوده است. برخی انقلابیون سابق که به نام اسلام قیام کرده‌اند امروز به این نتیجه رسیدند که ایدئولوژی مانع ارتباطات جهانی است. محسن آرمین از اعضای محوری سازمان مجاهدین انقلاب بر این باور است که «ما باید بحث رابطه با امریکا را از مقوله ایدئولوژیک خارج کنیم و این کار باید کاملاً کارشناسی باشد» (روزنامه ایران ۱۲ آبان ۱۳۸۰ ص ۹).

بهزاد نبوی دیگر همکار آرمین طی پنج سال ۱۸۰ درجه می‌چرخد در حالی که سال ۱۳۷۵ می‌گوید «انقلاب ما که مورد پذیرش امریکا نیست. فروپاشی اتحاد شوروی تجربه خوبی در این مورد است. آنها که پس از فروپاشی کشورشان را در اختیار امریکا گذاشتند چه کردند؟ و چه به دست آوردند؟ اگر ما با امریکا رابطه برقرار کنیم حقیقت انقلاب از دست می‌رود. آنها برای عوض کردن رفتارها و عقاید ما می‌آیند» (هفته نامه بین ۷۵/۶/۱۲، ص ۵) در سال ۱۳۸۰ می‌گوید «امروز امریکا صد بار اعلام آمادگی می‌کند برای مذاکره با ما و این ما هستیم که پیش شرط می‌گذاریم ... ما باید این سیاست را ادامه بدهیم (سیاست تنش زدایی) و بدانیم که ما وقتی به دولت‌ها احترام نگذاریم آنها هم به ما احترام نمی‌گذارند.» (عصر ما ۱۳۸۰/۵/۲۰).

بنابراین این جماعت انقلاب اسلامی را یک پروژه تمام شده علیه نظام پهلوی می‌دانند نه یک پروسه برای همیشه تاریخ که امام فرمود «تا کفر و شرک هست مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هستیم.»

۶- آسیب‌ها و نیازهای شخصیتی

بسیاری از افرادی که با انقلاب کلنجار رفته و می‌روند از جهت شخصیتی و مشی فردی دارای ویژگی‌های خاصی هستند، احساساتی بودن (آیت‌الله منتظری)، یک دندگی (موسوی)، خود بزرگ بینی (بنی‌صدر) و خود را وارث و مالک انقلاب دانستن نیز از آسیب‌های جدی در رویارویی با انقلاب اسلامی است. علاقه به صدرنشینی، مرجعیت و محور بودن و عدم تأمین این خواسته موجب ناسازگاری آنان با محیط می‌شود. این مدعیان انقلاب با قرائت کاریکاتوری از صدر انقلاب اسلامی به دنبال احیای خود از طریق لجبازی با حاکمیت بر می‌آیند. قیاس شخصیتی یا نزدیکی و دوری به امام (ره) ملاکی است برای برتری‌طلبی برخی و طرح مدعاهای زیادخواهانه یا واگرایانه و خدایی ناکرده تشویق و ترغیب مردم به نافرمانی مدنی یا ایستادن مقابل نظام اسلامی.

۷- ضعف و نبود راهبرد جذب در نیروهای انقلاب

نیروهای اصیل انقلاب و معتقدان حقیقی آن کسانی هستند که نه از رهبری جلوتر حرکت می‌کنند و نه عقب‌تر می‌مانند اما این دسته برای مواجهه با شش دسته قبلی چه برنامه‌ای دارند؟ مقام معظم رهبری در خطبه عید فطر سال ۱۳۸۸ (بعد از فتنه) فرمودند: «راهبرد نظام جذب حداکثری و دفع حداقلی است». نیروهای انقلاب اسلامی نه تنها برای اجرایی کردن این راهبرد برنامه‌ای ندارند. بلکه هیچ اشتباه کوچک و بزرگ و توبه‌ای را هم نمی‌پذیرند. هر کس اشتباهی کند یا حرفی بزند که در چارچوب انقلاب نیست برای همیشه مورد بی‌توجهی خواهد بود و بعضاً نیز به هل دادن آن به بیرون از نظام کمک می‌شود. به تعبیر دیگر برای نیروهای انقلاب اسلامی اشتباه دیگران در مقابل نظام هرچند در حد یک جمله آلوده باشد به عنوان آخرین اشتباه فرد تلقی می‌شود. مثل کسی که در انبار مهمات کار می‌کند، اینجا صادق است. در انبار مهمات کسی که اولین اشتباه را می‌کند، آخرین اشتباه وی نیز هست چرا که فرصتی برای اشتباه دیگر ندارد و هم آنجا تمام می‌شود. جاذبه در نیروهای انقلاب کم است بین چهار دسته معاند، مخالفت و منتقد و خنثی بعضاً فرقی دیده نمی‌شود یا تفاوت‌ها تشخیص و تفکیک نمی‌شود. نظام جمهوری اسلامی ایران یک نظام مردمی به معنی واقعی کلمه است و در زمینه پشتوانه‌ای غیر از مردم ندارد، لذا برای جذب حداکثری باید برنامه‌های هوشمندانه طراحی کند. البته این نقد به نیروهای انقلاب به معنی ترحم به کسانی که به روی نظام شمشیر کشیده‌اند نیست بلکه جهت کسانی است که ناآگاه و از مسائل جزئی ناراحت و معمولاً اهل انتقادهای دائمی و بی‌پایه هستند و کینه عمیق نسبت به انقلاب اسلامی ندارند.